

چرا امام حسین علیه السلام در زمان معاویه قیام نکرد؟

معاویه، پس از نبرد با دودمان عصمت و طهارت علیهم السلام، خلافت را به غنیمت گرفت و آن را غصب کرد. او در ابتدا خود را امیرمؤمنان و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواند؛ لیکن اندک اندک، خلافت را به سلطنت و پادشاهی مبدل کرد. سالار شهیدان علیه السلام بیست سال، شاهد اسارت دین الهی در دست امویان بود؛ ولی مجالی برای قیام نمی‌یافت. معاویه، سیاستمداری زیرک و حيله‌گر بود و اگر امام حسین علیه السلام در برابر او به پا می‌خواست، معاویه او را مانند حضرت امام علی و امام حسن علیهم السلام در شهر خودش به شهادت می‌رساند؛ آنگاه خود با پوشیدن جامه ماتم، مردم را می‌فریفت و مانع ثمربخشی این قیام و اثر این خون می‌شد. هدف سالار شهیدان علیه السلام برپایی نهضتی عظیم بود که تأثیرش به زمان خاص و مکان مخصوص، محدود نماند و در همه جهان طنین‌اندازد. از این‌رو، در دوران زمامداری معاویه قیام نکرد تا خودش به هدر نرود. فریبکاری معاویه به حدی بود که در نامه‌هایش به امام علی علیه السلام چونان پدری پرهیزگار و زاهد که پسر تبهکارش را اندرز می‌دهد، چنین می‌نوشت: «این نامه‌ای است از معاویه پسر ابوسفیان، جانشین پیامبر خدا، به علی بن ابی طالب. ای علی! بدان که خدا و قیامت و سؤال قبر و بهشت و دوزخ حقیقت دارد. از آتش دوزخ بترس و دست از ستمکاری بدار و پارسایی پیشه کن.» آنگاه این گونه نامه‌ها را در شام منتشر می‌کرد و با تبلیغ سوء، به شست و شوی مغزی مردم می‌پرداخت.^۱ علامه طباطبایی در این باره به مطلب بسیار مهمی اشاره کرده اند: «واقع امر را از اینجا می‌توان به دست آورد که امامت سیدالشهداء علیه السلام تقریباً ده سال طول کشید که در همه این مدت «جز چند ماه آخر» معاصر معاویه بود. در طول این مدت از آن حضرت که امام وقت و مبین معارف و احکام دین بود در تمام فقه اسلامی حتی یک حدیث نقل نشده است (منظور روایتی است که مردم از آن حضرت نقل کرده باشند که شاهد مراجعه و اقبال مردم است نه روایتی که از داخل خاندان آن حضرت مانند ائمه بعدی رسیده باشد). و از اینجا معلوم می‌شود که آن روز، درب خانه اهل بیت علیهم السلام به کلی بسته شده و اقبال مردم به حد صفر رسیده بوده است.»^۲

امام حسین علیه السلام در این دوران، مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در سیزده سال مکه فرصت را برای قیام مناسب ندیدند و نیز مانند امیرمؤمنان علیه السلام که مدت‌ها منزوی بودند و زمان را برای قیام مناسب نمی‌دانستند، در ده سال پس از شهادت امام حسن علیه السلام تا حادثه کربلا، سعی کرد افکار مردم را کم و بیش روشن کند تا معاویه، این متولی دروغین دین الهی دفن شود و زمینه برای تفکر جدید اسلامی آماده گردد. آنگاه قیامی به قصد احیای تفکر الهی و قرآنی آغاز کند.

اما پس از مرگ معاویه، پسرش یزید بر تخت سلطنت نشست. او جوانی خام، سبک سر و همواره در پی خوشگذرانی و می‌گساری بود. او هر چند خوی جاهلی و طغوی^۳ اموی را از پدر به یادگار داشت، ولی زیرکی و بینش سیاسی را از وی به ارث نبرده بود. بی‌پروایی او در زیر پا نهادن احکام اسلام و آشکار ساختن مفاسد، مردم را از ریاکاری و بی‌دینی امویان اندکی آگاه کرد و بهترین زمان برای قیام دینی فرا رسید.^۴ علامه طباطبایی رحمته الله علیه در ترسیم فضای پس از مرگ معاویه و چرایی تصمیم امام حسین علیه السلام بر قیام آورده اند:

سیدالشهداء علیه السلام تصمیم بر امتناع از بیعت «و در نتیجه» کشته شدن گرفت و مرگ را به زندگی ترجیح داد و جریان حوادث نیز استواری نظر آن حضرت را به ثبوت رسانید.

۱. شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۱۸۵-۱۸۲

۲. فرات حیات، دفتر نشر معارف، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۶، ص ۴۰-۴۲

۳. منظور، طغیان و سرکشی است.

۴. شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۱۸۵-۱۸۲

زیرا شهادت وی با آن وضع دلخراش، مظلومیت و حقانیت اهل بیت را مسجل ساخت و پس از شهادت تا دوازده سال نهضتها و خونریزیها ادامه یافت و پس از آن، همان خانه ای که در زمان حیات آن حضرت کسی درب آن را نمی شناخت با مختصر آرایشی که در زمان امام پنجم علیه السلام به وجود آمد، شیعه از اطراف و اکناف مانند سیل به در همان خانه می ریختند و روز به روز به آمار شیعیان اهل بیت: افزود و حقانیت و نورانیت شان در هر گوشه و کنار جهان به تابش و تلالؤ پرداخت و پیشتاز این میدان سیدالشهداء علیه السلام بود. اکنون مقایسه وضع خاندان رسالت: واقبال مردم به آنان در زمان حیات آن حضرت، با وضعی که پس از شهادت وی در مدت چهارده قرن پیش آمده و سال به سال تازه تر و عمیقتر می شود اصابت نظر آن حضرت را آفتابی می کند ... و به همین نظر بود که معاویه به یزید اکیداً وصیت کرده بود که اگر حسین بن علی علیه السلام از بیعت با وی خودداری کند او را به حال خود رها کند و هیچ گونه متعرض وی نشود. معاویه نه از راه اخلاق و محبت، این وصیت را می کرد، بلکه می دانست که حسین بن علی علیه السلام بیعت کننده نیست و اگر به دست یزید کشته شود اهل بیت، مارک مظلومیت به خود می گیرند و این برای سلطنت اموی خطرناک و برای اهل بیت، بهترین وسیله تبلیغ و پیشرفت است.^۵